

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۷
صفحات: ۱۵۳-۱۳۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲

استراتژی قدرتهای بزرگ در قبال انرژی خلیج فارس

حمید صالحی* / سید محمدرضا موسوی** / علی اصغر محمدی دارابی***

چکیده

منطقه خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم انرژی آن و موقعیت ژئوپلیتیکش به مهم‌ترین منطقه جهان تبدیل شده است. بنابر یک راهبرد بین‌المللی که قدرت جهانی را در اختیار کسانی می‌داند که بر منابع و خطوط انرژی تسلط داشته باشند، قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای بسط سلطه خود بر این منطقه در حال رقابت هستند. این رقابت از امپراتوری بریتانیا آغاز شد و امروز نیز توسط قدرت‌هایی چون آمریکا، اروپا، روسیه، چین، هند، پاکستان و ترکیه ادامه دارد. با توجه به ضرورت ایجاد توازن میان نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه و تداوم خط مشی مستقل از سوی ایران، نیاز به نوعی سیاستگذاری خاص در زمینه انرژی بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت بازار نفت و جایگاه نفت حوزه خلیج فارس، امنیت انرژی و سیاست قدرتهای بزرگ می‌پردازد.

کلید واژه‌ها

قدرت‌های بزرگ، انرژی، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، خلیج فارس.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

moosaviut@gmail.com

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

انرژی به طور مشخص نفت و گاز، یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در تولید ثروت و قدرت در جهان کنونی به شمار می‌رود. اقتصاد جهانی با همه تحولاتی که در دوران پس از جنگ سرد در آن به وجود آمده همچنان به نفت و گاز وابسته است و امروزه امنیت انرژی در صدر مسائل جهانی قرار گرفته است. ذخایر انرژی، به ویژه نفت، در بسیاری از مناطق جهان در حال افول می‌باشد و همزمان مصرف انرژی در حال افزایش است و هنوز چشم انداز روشنی در خصوص استفاده از منابع انرژی جایگزین و قابل رقابت در این عرصه وجود ندارد. به همین جهت، مصرف کنندگان عمده انرژی و قدرت‌های بزرگ به منظور تأمین امنیت انرژی تدابیر و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای را در سیاست‌های انرژی خود لحاظ کرده‌اند. تدابیر و سیاست‌های اتخاذ شده توسط قدرت‌های بزرگ اقتصادی بر حسب موقعیت و شرایطشان متفاوت است. تنوع بخشی در منابع انرژی و مسیرهای انتقال انرژی، صرفه جویی داخلی، و نیز تلاش در جهت کاهش وابستگی به واردات انرژی به خصوص از مناطق بی ثبات از جمله این تدابیر می‌باشند.

وضعیت بازار نفت و اهمیت مقوله امنیت انرژی، موجب شده است که منابع انرژی در خلیج فارس بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. برخی بر این باورند که این منطقه در ۵۰ سال آینده می‌تواند انرژی قابل اتکایی را برای مصرف کنندگان جهانی و به ویژه قدرت‌های بزرگ و در حال خیزش تأمین کند و از این رو سیاست‌های انرژی بازیگران عمده نظام بین‌الملل همچنان تمرکز ویژه‌ای بر این نطقه خواهد داشت، امری که در شکل دهی به مختصات بازار انرژی و امنیت آن بسیار حائز اهمیت است.

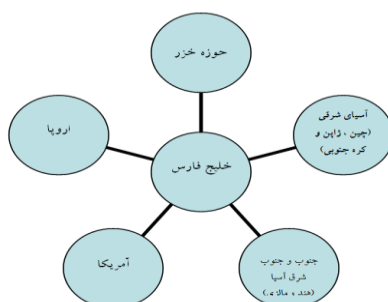
نقش انرژی خلیج فارس در اقتصاد بین‌الملل

واردات نفت خام ایالات متحده از خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ به ۲/۷ نیلیون بشکه در روز رسید که در حدود ۹ درصد نسبت به سال پیش از آن رشد داشت. در آن سال، واردات آمریکا از منطقه خلیج فارس از کشورهای عربستان ۷۱ درصد، عراق ۱۹ درصد، کویت ۹ درصد و قطر و امارات متحده عربی کمتر از یک درصد بوده است. روی هم رفته منطقه خلیج فارس در حدود ۲۲/۵ درصد از واردات نفت خام آمریکا را تأمین کرده است. (Persian www.EIA.org/The)
(Gulf Export Factsheet)

میانگین واردات کشورهای اروپایی عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) از منطقه خلیج فارس نیز در سال ۲۰۱۰ روزانه ۲/۶ میلیون بشکه نفت خام بوده است که نشان دهنده افزایش ۲۰۰ هزار بشکه در روز نسبت به سال پیش از آن می‌باشد. بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام به اروپا عربستان سعودی ۵۲ درصد، ایران ۳۳ درصد، عراق ۷ درصد و کویت ۶ درصد بوده‌اند. در خصوص اهمیت خلیج فارس در تأمین انرژی آمریکا، اروپا و ژاپن روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال طی گزارشی با مهم خواندن نقش خلیج فارس در اقتصاد جهانی و به حرکت در آوردن چرخ‌های صنعت جهان آورده است که: «خلیج فارس نقشی راهبردی در تأمین انرژی مورد نیاز کشورهای صنعتی دارد و مسیر راهگذار مهمی برای کشتی‌های نفتکش است. آمریکا وابستگی زیادی به نفت خلیج فارس دارد و این مساله با امنیت ملی آمریکا پیوند خورده است. در حال حاضر ۳۵ درصد انرژی مورد نیاز آمریکا از طریق واردات تأمین می‌شود که ۲۲/۵ درصد آن از خلیج فارس است. این رقم برای اتحادیه اروپا ۵۶ درصد است. تا سال ۲۰۱۵ بیش از ۷۰ درصد نفت مورد نیاز چین نیز از خلیج فارس تأمین خواهد شد.» (www.farsnews.com).

بر اساس برآوردهای دبیرخانه اوپک، تقاضای جهانی برای انرژی‌های اولیه تا سال ۲۰۲۵ فزاینده خواهد بود. هر چند سهم نفت در سبد انرژی مصرفی جهان از ۴۰/۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۶/۹ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش خواهد یافت اما نفت همچنان بزرگترین منبع تأمین انرژی جهان خواهد بود. سهم گاز از ۲۳/۳ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۹/۹ درصد در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید که بیانگر اهمیت روزافزون نقش گاز طبیعی و صادرکنندگان آن در بازارهای انرژی جهانی است. (بهروزی فر، ۱۳۸۸: ۳۲) رشد اقتصادی جنوب و جنوب شرق آسیا، بویژه کشور چین در سالهای گذشته، سهم بزرگی را در افزایش تقاضای جهانی نفت داشته است. در سالهای اخیر تقاضای چین به طور متوسط حدود ۱۷ درصد رشد داشته و پیش بینی می‌شود که تقاضای نفت این کشور در بلند مدت از رشد میانگین سالانه معادل ۳ درصد برخوردار باشد که در این صورت واردات نفت چین در سال ۲۰۲۰ به ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود. بر پایه پیش بینی دبیرخانه اوپک، تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۵ معادل ۲۴ تریلیون دلار خواهد بود که از تولید ناخالص داخلی آمریکا با ۲۲ تریلیون دلار و اروپای غربی با ۱۶ تریلیون دلار پیشی خواهد گرفت و به عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا از مصرف

بسیار زیاد انرژی نیز برخوردار خواهد شد. با توجه به نزدیکی ژئوپلیتیک خلیج فارس، این منطقه مهم‌ترین تأمین کننده نفت و گاز آن کشور خواهد بود. (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۲۹)



نمودار ۱- موقعیت تقریبی ژئوپلیتیک و نزدیکی خلیج فارس به مناطق اصلی مصرف کننده انرژی جهان

شرایط موجود حاکی از آن است که خلیج فارس همچنان از نقش فزاینده‌ای در تأمین انرژی جهان و حرکت موتور اقتصاد بین‌الملل برخوردار خواهد بود. با توجه به برخورداری خلیج فارس از بیشترین نفت و گاز جهانی و نیز رشد تقاضای جهانی برای نفت و گاز به نظر می‌رسد در آینده نیز این منطقه بیشترین نقش را در اقتصاد بین‌الملل داشته باشد. موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس و قرار گرفتن در نزدیکی بازارهای اروپا و جنوب و شرق آسیا موجب خواهد شد که این موقعیت ژئوپلیتیک در آینده نیز ارتقاء پیدا کند.

وضعیت منابع انرژی در خلیج فارس

خلیج فارس دارای ۹ میدان نفتی غول پیکر است که عبارتند از: غوار و سفانیه در عربستان، برقان در کویت، رومیله و کرکوک در عراق، اهواز، مارون، گچساران و آغاچاری در ایران که نفت آن به وسیله‌ی خط لوله از طریق خلیج فارس صادر می‌شود. کشورهای بزرگ صنعتی از این میدان نفتی غول پیکر برای ذخیره‌های استراتژیک نفت در کشورهای خویش استفاده می‌کنند (غفاریان، ۱۳۸۹: ۸۱).

خلیج فارس طبق آمارها، در سال ۲۰۱۱، با ۷۴۷۰۳ میلیارد بشکه نفت که معادل ۵۴ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است BP Statistical Review of World Energy June

(P6, 2011). بزرگ‌ترین و مهمترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. سهم منطقه خلیج فارس از تولید جهانی نفت در سال ۱۹۹۵، ۲۸,۱ درصد بود (BP Statistical Review of World Energy June 2011) که در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ درصد و در سال ۲۰۰۵ به ۳۰,۱ و در سال ۲۰۱۰ به ۲۹,۸ درصد رسید (گورایی و امینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۸) مشاهده می‌شود که منطقه خلیج فارس، جایگاهی برجسته در بازار انرژی جهان دارد. چهار کشور نخست تولید کننده نفت جهان، در این منطقه قرار دارند. پیش بینی می‌شود که سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت، از (۲۹,۸ درصد در سال ۲۰۱۰) به ۴۰,۹ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد (همان، ۱۳۹).

عربستان و ایران هر کدام به ترتیب با ۱۹,۱ و ۹,۹ درصد بر خورداری از ذخایر نفتی جهان در سال ۲۰۱۰ در رتبه‌های اول و دوم در بر خورداری از ذخایر نفتی جهان قرار دارند که در منطقه خلیج فارس واقع شده‌اند و بحرین با کمتر از ۱ درصد ذخیره نفتی در ردیف آخر قرار دارد (BP Statistical Review of World Energy June 2011, P6).

جدول ۱- میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۱۰ م

کشور	میلیارد بشکه	درصد از کل	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)
عربستان	467,8	۳۶/۳	۱۰۰۰۷	۲۸۱۲
ایران	203,2	۱۸/۸	۴۲۲۵	۱۷۹۹
عراق	120,4	۱۵/۵	۲۴۶۰	-
کویت	122,5	۱۴/۰	۲۵۰۸	۴۱۳
امارات متحده عربی	130,8	۱۳/۰	۲۸۴۹	۶۸۲
قطر	65,7	۲/۷	۱۵۶۹	۲۲۰
عمان	41,0	۰/۷	۸۶۵	-
کل منطقه خلیج فارس	1184,6	۱۰۱/۸	۲۵۱۸۸	۷۸۲۱

Source: BP Statistical Review of World Energy, 2011

جدول ۲- میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۱۰ م

کشور	تریلیون مکعب	متر درصد از کل	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)
عربستان	۸/۰	۴/۱	۸۳/۹	۸۳/۹
ایران	۲۹/۶	۱۱۶/۰	۱۳۸/۵	۱۳۶/۹
عراق	۳/۲	۱/۷	۱/۳	-
کویت	۱/۸	۱	۱۱/۶	۱۴/۴
امارات متحده عربی	۶/۰	۳/۵	۵۱/۰	۶۰/۵
قطر	۲۵/۳	۱۳/۸	۱۱۶/۷	۲۰/۴
بحرین	۰/۲	-	۱۳/۱	-
عمان	۰/۷	۰/۵	۲۷/۱	-
کل منطقه خلیج فارس	۷۵/۴	۰۴/۶	۴۵۶/۷	۳۲۱/۴

Source: BP Statistical Review of World Energy, 2011

بررسی سیاست انرژی آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، چین، هند و ژاپن به عنوان قدرت‌های بزرگ و تأثیر گذار در صحنه نظام بین الملل، از ابعاد متفاوتی دارای اهمیت است. نظر به اینکه روسیه به عنوان بزرگترین صادرکننده انرژی و اتحادیه اروپا، آمریکا و چین بزرگترین واردکنندگان انرژی‌های فسیلی در جهان هستند، طبیعی است که مجموعه نگرش‌ها و سیاست‌های هر کدام از این قدرت‌ها نسبت به مفهوم امنیت انرژی بنا بر ملاحظات اقتصادی، جغرافیایی و استراتژیک جداگانه، متفاوت باشد. وجود شکاف عمده میان سیاست‌ها و رفتارهای بازیگران تأثیر گذار در صحنه نظام بین الملل در عرصه امنیت انرژی غیر قابل اغماض است. امنیت انرژی از نگاه آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه شامل اصول و راهبردهایی است که در اسناد مربوط به سیاست انرژی آنها نهفته است. در ادامه به اختصار سیاست انرژی این قدرت‌ها را در خلیج فارس مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در جدول زیر مقایسه میزان ذخایر نفت و گاز منطقه خلیج فارس با سایر مناطق و همچنین بررسی میزان صادرات نفت و گاز این کشورها و نسبت آن به کل میزان صادرات جهان، اهمیت نفت و گاز منطقه خلیج فارس بیشتر نمایان می‌شود.

جدول ۳- میزان ذخایر نفت و گاز منطقه خلیج فارس و میزان صادرات نفت و گاز کشورهای قدرتمند

در سال ۲۰۱۰

سال ۲۰۱۰	ذخایر نفتی. هزار میلیون بشکه	ذخایر گاز. تریلیون متر مکعب	صادرت نفت خام. ۱۰۰۰ بشکه در روز	صادرات گاز. میلیون متر مکعب	واردات نفت از خلیج فارس سالانه هزار بشکه	واردات گاز از خلیج فارس.بیلیون متر مکعب
آمریکا	30,9	7,7	44	30,34	624,8	1,29
روسیه	77,4	44,8	5,609	199,85	-	-
چین	14,8	2,8	40	3,83	12,88	1,69
ژاپن	-	-	-	-	287,9	20,81
اتحادیه اروپا	32,5	8,1	49	33,51	632,5	1,36
ایران	137	29,6	2,583	8,42	-	-
کل جهان	1383.2	187.1	38158	975.22	1875.8 میلیون تن	975.23

Source. BP Statistical Review of World Energy June 2011
OPEC Annual Statistical Bulletin 2010/2011

سیاستگذاری ایالات متحده در قبال انرژی خلیج فارس

امنیت انرژی از زمان آغاز به کار کابینه بوش در ژانویه سال ۲۰۰۱، به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شد. با توجه به این پیش زمینه و درک بحران انرژی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ همچنان وجود داشت، یکی از نخستین دغدغه‌های دولت بوش مسئله تأمین نیازهای انرژی ملی بود. بوش در دوران ریاست جمهوری خود، گروه توسعه سیاست انرژی ملی را تأسیس کرد. (Bahgat, 2003: 2)

ایالات متحده با تقاضای حدود یک چهارم نفت جهان بزرگترین مصرف کننده نفت است. وزارت انرژی ایالات متحده پیش بینی کرد که مصرف سالانه انرژی ملی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۲۰، ۱/۵ درصد افزایش می‌یابد، در حالی که سهم نفت در چرخه انرژی به تدریج از ۳۹/۴ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۳۹/۷ درصد در سال ۲۰۲۰، افزایش خواهد یافت. با وجود تولید بالای انرژی از سوی منابع داخلی در آمریکا، میزان انرژی تولیدی پاسخگوی نیاز آمریکا به انرژی

نیست و وابستگی این کشور به واردات انرژی از سال ۱۹۸۵، افزایش یافته است. ایالات متحده آمریکا حدود ۲۲/۵ درصد مصرف جهانی نفت و حدود ۱۰ درصد تولید جهانی را در اختیار دارد. طبق نظر کارشناسان این روند صعودی در سال‌های آتی همچنان ادامه خواهد داشت. خلیج فارس بیش از ۲۰ درصد نیازهای نفتی وارداتی آمریکا را تأمین می‌کند. آمارها نشان می‌دهند که مصرف نفت آمریکا در ۲۰ سال آینده ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت؛ در طول ۲۰ سال آینده زهر سه بشکه نفت مورد نیاز ایالات متحده، ۲ بشکه وارداتی خواهد بود و تا سال ۲۰۲۵، خالص واردات نفت ایالات متحده از ۵۳ درصد به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. (Spencer, 2004: 6)

واردات نفت آمریکا از منطقه خلیج فارس از ۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰، به ۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵، خواهد رسید پیش بینی می‌شود به رغم برخی اکتشاف‌های نفتی در جهان، تا سال‌های متمادی هیچ منطقه دیگری نمی‌تواند جایگزین نفت خلیج فارس شود. در سیاست ملی انرژی ایالات متحده در مورد ذخایر نفت خاورمیانه و خلیج فارس آمده است که: ((بدون تردید و بر اساس کلیه برآوردها و محاسبات، خاورمیانه همچنان به عنوان عامل اصلی تأمین امنیت نفتی جهان باقی خواهد ماند و خلیج فارس نیز همواره به عنوان نقطه توجه و تمرکز سیاست بین‌المللی انرژی ایالات متحده مطرح خواهد بود.)) پیش بینی می‌شود کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰، بین ۵۴ تا ۶۷ درصد از نفت جهان را تولید نمایند. از این رو، اقتصاد جهانی همچنان به وابستگی خود به تولیدات کشورهای عضو اوپک به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس ادامه خواهد داد. بر این اساس، وابستگی جهان و به خصوص آمریکا به انرژی خلیج فارس کماکان تداوم خواهد یافت.

سیاستگذاری اتحادیه اروپا در قبال انرژی خلیج فارس

رشد تقاضای انرژی در مناطق مختلف جهان به ویژه در آسیا، اتحادیه اروپا را نیز همانند دیگر قدرت‌های بزرگ اقتصادی به رقابت با سایر رقبای مصرف‌کننده انرژی سوق داده است. علاوه بر این، اتحادیه تلاش می‌کند منابع موجود تأمین‌کننده انرژی را حفظ نماید و نیز دستیابی به تأمین‌کنندگان جدید انرژی را در برنامه‌های خود قرار داده است. اتحادیه اروپا تا آخر سال ۲۰۰۴ و پس از پذیرش تقاضای عضویت ۱۰ کشور اروپای مرکزی و شرقی مجموعاً

۶۴ درصد از انرژی مصرفی خود را از طریق دو منبع نفت و گاز تأمین می‌نمود. (BP Statistical Review of Energy, 2005)

این اتحادیه تقریباً ۱۷ درصد مصرف جهانی انرژی را در اختیار دارد که ۸۰ درصد از این میزان مربوط به سوخت‌های فسیلی است. اتحادیه اروپا ۵۰ درصد از نیاز مصرفی خود را که عمدتاً سوخت‌های فسیلی نفت و گاز هستند، وارد می‌نماید. (Kwon, 2003: 1) براساس پیش‌بینی‌های مندرج در ((سند سبز)) کمیسیون اروپا مصوب سال ۲۰۰۶، تا سال ۲۰۳۰ نیاز وارداتی اتحادیه اروپا به انرژی‌های فسیلی از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. (Gennip, 2006) در چرخه انرژی مصرفی اتحادیه اروپا، نفت ۴۰ درصد و گاز طبیعی ۲۴ درصد نیاز مصرفی اتحادیه را تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون این اتحادیه ۷۶ درصد نفت و ۵۰ درصد گاز طبیعی خود را وارد می‌نماید. براساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده توسط کمیسیون اروپا تا سال ۲۰۳۰، نفت وارداتی اتحادیه اروپا از ۷۶ درصد به ۹۰ درصد و گاز طبیعی وارداتی از ۵۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. (Barroso, 2006)

طبق پیش‌بینی‌ها رشد تقاضای انرژی اتحادیه اروپا سالانه ۰/۷ درصد خواهد بود. نفت و گاز همچنان به عنوان منابع سوختی غالب باقی مانده و حتی گاز بیشترین نرخ رشد مصرف را در بازار اتحادیه از آن خود خواهد نمود. علت این امر تا حدودی حرکت تدریجی و مداوم دول عضو اتحادیه اروپا از سوخت‌های هسته‌ای و ذغال سنگ به سمت گاز طبیعی برای استفاده در نیروگاه‌ها می‌باشد. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۳۰، نفت و گاز به ترتیب ۴۴ و ۲۷ درصد مصرف کل انرژی اتحادیه را تشکیل دهند. (paper, 2006)

سیاست‌گذاری چین در قبال انرژی خلیج فارس

شاید بتوان "انرژی" را از مهمترین متغیرهای تعیین کننده جایگاه خاورمیانه در عرصه بین‌المللی - در دوران معاصر - دانست. در واقع، برخورداری از این مزیت است که همواره منطقه خاورمیانه را به عنوان مؤلفه‌ای بسیار مهم در امنیت ملی این بازیگران با خطرات جدی روبرو سازد. توسعه اقتصادی سریع چین در دو دهه اخیر، و افزایش تصاعدی نیاز این کشور به "انرژی" و نیز محدود و ناکافی بودن منابع انرژی داخلی، سبب شده است تا "امنیت انرژی" و چشم‌انداز آن برای این کشور به امری پر اهمیت و در عین حال نگران کننده تبدیل شود. زیرا هرگونه اختلال در جریان انرژی می‌تواند با ایجاد مشکلات جدی در مسیر توسعه اقتصادی چین،

بر امنیت ملی آن تأثیرات منفی عمیقی بر جا گذارد. مصرف شدیداً رو به افزایش انرژی چین و اجبار به تأمین آن از منابع خارجی از یک سو و نگرانی‌های جدی این کشور پیرامون امنیت انرژی، باعث شده تا چین استراتژی متنوع سازی منابع انرژی را در دستور کار خود قرار دهد. بر مبنای این استراتژی، چین تقریباً در سراسر جهان در جست و جوی منابع انرژی بر آمده است. خلیج فارس، آفریقا، روسیه و آسیای مرکزی کانون‌های اصلی اعمال این استراتژی به شمار می‌آیند.

سیاست‌های انرژی چین به عنوان یک قدرت در حال خیزش در سطح جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزایش وابستگی به نفت وارداتی، احساس رو به افزایش ((ناامنی در حوزه انرژی)) را در میان رهبران چین برانگیخته است. آنها نگرانند که اختلال در عرضه نفت و یا افزایش بسیار زیاد قیمت آن، تداوم توسعه اقتصادی کشور را به خطر اندازد. اهمیت این نگرانی و دغدغه رهبران چین هنگامی روشن‌تر می‌گردد که توجه داشته باشیم توسعه اقتصادی و تداوم آن، مهم‌ترین ابزار مشروعیت ساز حزب کمونیست چین است. برخی از تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران چینی نگرانی دیگری نیز دارند و آن اعمال محدودیت‌هایی از سوی ایالات متحده در حوزه انرژی علیه چین است. بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی توسط ایالات متحده برای کنترل سایر بازیگران، این نگرانی چینی‌ها را موجه می‌سازد. به علاوه، حضور نظامی ایالات متحده در چندین کشور آسیای مرکزی از سال ۲۰۰۲، ریسک خط لوله‌ای که نفت قزاقستان را به منطقه سین کیانگ چین می‌رساند، افزایش داده است. چینی‌ها نگرانند که در صورت بروز درگیری میان این کشور و ایالات متحده بر سر تایوان، این کشور جریان نفت از طریق این خط لوله و نیز خلیج فارس را به سوی چین مسدود سازد. جنگ عراق و تقویت حضور ایالات متحده در خلیج فارس باعث شد تا رهبران چین به سرعت به سمت کاهش (آسیب پذیری استراتژیک) خود گام بردارند.

کشورهای برخوردار از منابع انرژی در سیاست خارجی چین جایگاه ویژه‌ای دارند. در این میان، می‌توان به طیف وسیعی از کشورها چون عربستان سعودی، یمن، عمان، ایران، امارات عربی متحده، کویت، لیبی، الجزایر، نیجریه، ونزوئلا، کانادا، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان اشاره نمود. اهمیت این تلاش‌ها هنگامی روشن‌تر می‌گردد که توجه داشته باشیم طبق پیش بینی‌ها وابستگی چین به انرژی این منطقه در سال‌های آتی رو به افزایش خواهد بود، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰، به بیش از هفتاد درصد خواهد رسید. (Flynt and Bader, 2005: 192)

در این راستا، چینی‌ها یک استراتژی سه وجهی را در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کنند که وجوه آن عبارتند از:

۱. به کارگیری دیپلماسی فعال برای برقراری اتصالات زیربنایی با کشورهای دارنده انرژی برای تضمین عرضه درازمدت این ماده. اعلامیه مشارکت استراتژیک نفتی چین و عربستان در سال ۱۹۹۹ را می‌توان به عنوان یکی از نتایج این دیپلماسی دانست.
۲. فراهم آوردن شرایط لازم برای حضور شرکت‌های نفتی چینی در سرمایه‌گذاری و توسعه میادین نفتی منطقه.

۳. تشویق سرمایه‌گذاری متقابل شرکت‌های نفتی کشورهای خاورمیانه در بخش‌های پالایشگاهی و بازار انرژی چین. (Pharkim and Y.W.Li, 2005: 24)

چینی‌ها در پیشبرد این استراتژی در منطقه خاورمیانه تاکنون به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته‌اند. آن‌ها علاوه بر عقد قراردادهای بزرگی با ایران، با عربستان نیز همکاری‌های تنگاتنگی را پی ریزی کرده‌اند. ظرفیت‌ها برای همکاری دو جانبه به ویژه در بخش گاز گسترده‌تر است. گاز در وضعیت فعلی سهم ناچیزی (۳ درصد) در سبد مصرف انرژی چین دارد و طبق برنامه دولت این کشور باید تا سال ۲۰۲۰ سهمان به ۱۲ درصد افزایش یابد. ذخایر غنی گاز ایران، ظرفیت‌های گسترده‌ای جهت همکاری در این حوزه پدید می‌آورد. (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۸)

سیاست‌گذاری روسیه در قبال انرژی خلیج فارس

همکاری در حوزه انرژی روسیه با کشورهای خلیج فارس با شروع قرن بیستم، با انگیزه‌های سیاسی به شکل جدی‌تری درآمده است. منابع انرژی روسیه یک اسلحه استراتژیک برای این کشور در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود و از این رو روسیه تلاش می‌کند قدرت کنترل خود بر سایر منابع انرژی جهانی را نیز افزایش دهد. از سال ۲۰۰۳ و در پی سفر ملک عبدالله، ولیعهد وقت عربستان به مسکو، روسیه و عربستان یک موافقتنامه ۵ ساله همکاری در حوزه نفت و گاز منعقد کردند. سپس در سال ۲۰۰۴، روسیه امتیاز اکتشاف و تولید نفت حوزه ((ربع الخالی))^۱ را در اختیار گرفت و در پی این توافقات بود که روسیه برای همکاری با اوپک دعوت

1. Rub el Hali

این حوزه نفتی در نزدیکی حوزه ((قوار)) می‌باشد.

شد. (Andrej, op.cit.p.151) اما به نظر می‌رسد ایالات متحده نیز در مقابل این سیاست روسیه چندان منفعلانه عمل نکرده باشد. چنانچه اخیراً عربستان سعودی در چارچوب مذاکرات پیرامون الحاق روسیه یا سازمان تجارت جهانی، امتیازاتی تجاری از روسیه مطالبه کرد. نمایندگان عربستان سعودی دسترسی آزاد به معادن استراتژیک روسیه و نیز خطوط لوله روسی را مطالبه کردند و پیشنهاد دادند عوارض گمرکی برای برخی از کالاهای صنعتی را که در عربستان سعودی تولید نمی‌شوند، کاهش دهند. ریاض همچنین از روسیه خواست سطح قیمت گاز را در جهان پایین نگاه دارد (kommersant.com/p897858/r_500/World Trade) بدون تردید، با توجه به ظرفیت‌های فراوان و شایان توجه روسیه و کشورهای منطقه خلیج فارس در حوزه انرژی، این بخش یکی از محورهای مهم همکاری طرفین به شمار می‌رود. اعلام آمادگی روسیه در سرمایه‌گذاری دو میلیارد دلاری در حوزه گاز عربستان سعودی، مشارکت گسترده کارشناسان روسی در اکتشاف و بهره‌برداری از میداین گازی عربستان، برنده شدن شرکت روسی لوک اویل در مناقصه توسعه منطقه الف^۱ میدان گاز طبیعی در بیابان ربع الخالی در جنوب منطقه القوار^۲ و انعقاد قرارداد ۴۰ ساله بین دولت عربستان سعودی با این شرکت روسی برای اکتشاف و توسعه این میدان، بخشی از پیوندهای گسترده روسیه و عربستان سعودی در بخش انرژی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

بازار انرژی در ابتدای قرن بیست و یکم با وجود تعدد منابع و پیشرفت تکنولوژی‌های مرتبط همچنان در اولویت سیاستگذاری‌های سیاسی و اقتصادی جهان قرار دارد که در این میان نفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این اهمیت و اولویت سبب گردیده که مباحث و تحلیل‌های بسیاری از سوی محافل مختلف پیرامون وضعیت کنونی بازار انرژی، نفت و آینده آن با در نظر گرفتن جریان تحولات سیاسی و اقتصادی در سطوح مختلف مطرح شود. بدون تردید عوامل و مسائل مختلفی آینده بازار انرژی و نفت را رقم می‌زند که توجه به این عوامل و متغیرها در سیاستگذاری‌های نفتی آینده کشوری چون ایران که درآمدهای نفت و وضعیت بازار جهانی برای آن حیاتی است، ضروری به نظر می‌رسد. روند رو به رشد نیاز به انرژی به خصوص نفت و

1. Zone A.
2. Al- Ghawar

گاز از یک سو و تمرکز عمده‌ی این منابع در منطقه خلیج فارس، نشان از آن دارد که این منطقه همچنان کانون توجه سیاستگذاری‌های انرژی کشورهای باقی خواهد ماند. از آنجا که کشورهای صنعتی، قدرت‌های بزرگ اقتصادی و همچنین قدرت‌های در حال ظهور، سهم قابل ملاحظه‌ای از مجموع مصرف انرژی را به خود اختصاص می‌دهند و این میزان مصرف نیز در حال افزایش است، لذا منابع انرژی، امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی نیز نزد این بازیگران، اهمیت بیشتری یافته است.

تداوم اهمیت صدور انرژی از خلیج فارس در قرن بیست و یکم به عنوان مهم‌ترین ابزار قدرت خواهد بود. اینکه تقاضا برای مصرف نفت گاز شتاب گرفته است و گول‌های خفته‌ای همچون چین در مسیر حرکت به سوی صنعتی شدن، نفت بیشتری تقاضا می‌کنند و اینکه محدودیت‌های واقعی تولید در بسیاری مناطق نظیر ایالات متحده، دریای شمال، اتحادیه اروپا و چین ظاهر شده است و روند تولید در آنجا با وجود نیاز فزاینده رو به کاهش قرار دارد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقایی، داوود و دیگران (۱۳۹۱). «امنیت انرژی و امنیت جهانی؛ نقش ژئوپلیتیک انرژی خلیج فارس»، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی محیط زیست و ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۸). «ایران، خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۰۹ - ۲۱۰.
- عباسی، مجید (۱۳۹۱). «تأثیر منابع انرژی بر اهمیت ژئوپلیتیک و نگرش راهبردی آمریکا به خلیج فارس»، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی محیط زیست و ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- غفاریان، سیروس (۱۳۸۹). خلیج فارس (هارتلند جهان) مخزن انرژی دنیا و اهمیت ژئوپلیتیک آن، تهران: انتشارات مدرسه.
- گورایی، محمد مهدی و امینی زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). خلیج فارس، تهران: خانه کتاب.
- «مشارکت ۴۰ میلیارد دلاری چین در طرح‌های نفتی ایران»، خبرگزاری مهر ۱۳۸۹/۵/۹.
- موسوی شفايي، سيدمسعود (۱۳۸۵). «جایگاه نفت خلیج فارس در استراتژی امنیت ملی آمریکا»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵). «مشارکت در انرژی- همکاری در امنیت؛ وابستگی متقابل ایران و چین»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، فروردین.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶). انرژی اوراسیایی، پژوهش شماره ۸، پژوهشکده مطالعات استراتژیک، گروه مطالعات سیاست خارجی، مرداد.

ب) منابع انگلیسی

- Barroso, Jose Manuel (2006). "Speaking with a Common Voice: Energy Policy for the 21th Century" "Speech at Georgetown University", February.
- BP Statistical Review of Energy, 2005.
- BP Statistical Review of World Energy June 2011.
- Flynt Leverett and Jeffrey Bader (2005). "Managing China – U.S. Energy Competition in the Middle East", The Washington Quarterly.
- Gawdat, Bahgat (2003). American Oil Diplomacy in Persian Gulf and the Caspian Sa, Florida University Press.
- Gennip, Jos Van (2006). "Energy Security" NATO ParliamentaryPaper.

- Hindustan Times, Jan. 25, 2006.
<http://www.farsnews.com/prinable.php?nn=8610080033>
"India and the Gulf: Convergence of Interest". in, www. csis. org, December 4, 2007.
Information Administration, International Petroleum Monthly/April. <http://www.EIA.org/Energy>, 2005.
Korb, Lawrence (2005). The Gulf and U.S National Security Strategy, UAE: The Emirates Center For Strategic Studies and Reaseraches.
Kwon, Goohoon (2003). "The Budgetary Impact of Oil Price in Russia", IMF Working Paper, August 1.
Larry, Everest (2004). Oil, Powers and Empire, Canada: Common Courage Press.
Miller, Linda (1997). "Energy Security and Foreign Policy: A Review Essay" , International Security, Vol. 1, no.4.
National Security Strategy of the United States of America. Washington DC: White House Press, 2006.
Oil and Energy Outlook to 2025, OWEM Scenarios Report, Vienna, OPEC Secretariat, March, 2006.
OPEC, (2101/2011) Annual Statistical Bulletin, 2011.
paper, Green (2006). A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy "European Commission, Brussels, March 8.
Press Trust of India news agency, Jan. 21, 2006
Pharkim Beng and Vic Y.W.Li. "China's Energy Dependence on the Middle East: Boon or Bane For Asia Security?" The China and Eurasia Forum Quarterly, November, 2005.
"Saudis Have WTO Demands for Russia", Kommersant (Russia's Daily Online), May 30, 2008, Available Online at 2010-04-30 , Followed by http://www.kommersant.com/p897858/r_500/World_Trade_Organization/
Spencer, Abraham (2004). U.S National Energy Policy and Global Energy Security, Economic Perspective, May.
Wonder.Mehden, Fred R (1995). "Japanese Energy Security and changing Energy Markets. Available at. www.riceproject/baker/pubs/studies/jescgem.